

تحلیل محتوای آموزه‌های حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام

محمد عترت دوست^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۴

تاریخ دآوری: ۱۴۰۳/۸/۱۲

چکیده

خانواده، اساس تشکیل اجتماع و یکی از عوامل مهم ایجاد تمدن است. از آنجا که رشد و پرورش افراد در خانواده پایه گذاری شده و سلامت و سعادت جامعه بشری در گرو تربیت صحیح و استواری است که در خانواده پدید می‌آید، لذا وجود مجموعه آموزه‌هایی به عنوان حقوق متقابل به مثابه یک قانون جامع برای مدیریت و کنترل این نهاد، لازم و ضروری است. دین اسلام در این زمینه رهنمودهایی دارد که رعایت و اجرای آنها می‌تواند نابسامانی‌های محتمل را از بین برده، و زمینه‌های رشد و سعادت این نهاد را فراهم آورد. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از روشهای تحقیق متن محور و میان رشته ای، تلاش شده مجموعه آیات قرآنی و آموزه‌های حدیثی موجود در این زمینه بررسی و دسته بندی شده و در نهایت حقوق متقابل والدین و فرزندان به عنوان ارکان اصلی خانواده، تبیین گردد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد دین مبین اسلام برای این نهاد، ارزش بسیاری قائل شده و برای تمامی مراحل، اعضا، مراتب و ادوار زمانی آن، حقوق و تکالیفی معین کرده است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، اهل بیت علیهم‌السلام، خانواده، حقوق والدین، حقوق فرزند، تحلیل محتوا.

۱. دانشیار، دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

مقدمه

خانواده، کانونی است مقدس که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه گذاری شده و با پیدایش و تولید فرزندان کامل ترمی شود. به عقیده صاحب نظران، خانواده از نخستین نظامهای نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام یافته است. آیه شریفه «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴)، آرمانی است که خانواده های اسلامی باید آن را عینیت بخشند و صلاحیت الگو بودن دین اسلام را برای تربیت شایستگان و خانواده های برتر برای جهانیان به اثبات برسانند.

خانواده، کانونی است مقدس که در سایه پیوند زناشویی دو انسان از دو جنس مخالف پایه گذاری شده و با پیدایش و تولید فرزندان کامل ترمی شود. خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام یافته و آرمانی است که خانواده های اسلامی باید آن را عینیت بخشند و صلاحیت الگویی اسلام را برای تربیت شایستگان به جهانیان اثبات نمایند.

دین مبین اسلام خانواده را از مهم ترین و اساسی ترین واحدهای اجتماعی می داند که بنای آن بر الفت، همدلی و همدمی استوار گشته و این بنا محبوب ترین بناها در پیشگاه خانواده است. روابط آن بر مودت و رحمت پایه گذاری شده و گرمی کانون خانواده مورد توجه عمیق اسلام است. تعالیم اسلامی نیک بختی و سعادت زوجین را در سایه عقد و پیمان ازدواج با در نظر داشتن معیارهای انتخاب همسر تضمین می کند. اسلام زندگی خانوادگی را بر مبنای حقوق و مسئولیت قرار می دهد و در آن وظیفه هر یک از اعضا معلوم و مشخص است، در عین آن که گذشت و فداکاری زوجین برای گرمی کانون و استواری آن نیز اصلی اساسی است (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان، هنگام بررسی آیات مربوط به مسائل زندگی خانوادگی می نویسد: «آفرینش انسان به صورتی است که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگرند و هر یک به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است. این نیاز و احتیاج موجب می شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و بدین طریق، سکونت و آرامش یابند»

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۸۵).

در زبان فارسی واژه خانواده به معانی اهل و عیال، خانه، اسباب خانه، خویشان و خاندان می‌باشد. در زبان عربی کلماتی مثل: أسرة و اهل البیت معادل این واژه بوده و به معانی عشیره و نزدیکان مرد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۲۹)، افراد ساکن در خانه مرد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۸۹) و نیز سپرآهینین (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۵۹) آمده است.

واژه (Family) نیز در لغت به معنی مجموعه روابط بین والدین و فرزندان، افراد خانه، تمام اولاد نیاکان، گروهی از افراد دارای صفتی مشترک، دسته‌ای از گیاهان یا حیوانات مرتبط به هم (Pearsall, 2001, p. 345) و گروهی است شامل یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و فرزندان (به همراه اعضای دیگر خانواده (Frankena, 2000, p. 554)

این واژه از لغت یونانی (Famulus, Familia) به معنی مستخدم و برده گرفته شده و از لحاظ تاریخی به نوعی اتحاد خانگی اطلاق می‌شود که افراد و برده را باهم، شامل بوده است. در برخی فرهنگ‌ها این مفهوم شامل اموال خانه نیز بوده، به این ترتیب در یک اتحاد خانگی به جای پیوند خونی اعضا خانواده، تعداد افراد دخیل در امر تولید مهم بوده است (اعزاز، ۱۳۷۶، ص ۱۰). در علم جامعه‌شناسی نیز خانواده، نوع خاصی از خانوار است که حداقل از دو نفر تشکیل شده و اساس شکل‌گیری آن ازدواج است.

در این تحقیق بر آن هستیم تا نهاد مقدس خانواده را در مکتب تربیتی امام رضا علیه السلام پی جویی کرده و نقش، کارکردها و شیوه‌های تربیتی خانواده را مبتنی بر آموزه‌های آن حضرت برداشت نماییم

۱. روش تحقیق

چنانکه مطرح شد در این مقاله جهت تبیین دقیق مؤلفه‌های به کاررفته در ادعیه رضویه از روش «تحلیل محتوا»^۱ استفاده شده است. این روش، معمول‌ترین روش تجزیه و تحلیل

داده‌های کیفی است و علیرغم شباهت‌های کاربردی، از مبنای تحلیلی متفاوتی برخوردار می‌باشد. مهارت‌های لازم برای انجام این تحقیق کیفی عبارتند از: فاصله گرفتن از موضوع و تجزیه و تحلیل انتقادی شرایط، تشخیص پیش‌داوری و اجتناب از آن‌ها، کسب اطلاعات معتبر و قابل اعتماد، و تفکر انتزاعی (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۸). در این روش محتوای آشکار و پیام‌ها به‌طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. لذا این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوا توصیف ویژگی‌های یک پیام است. کاربرد دیگر این روش، استنباط درباره فرستندگان پیام و دلایل یا پیش‌آیندهای پیام است. تحلیل محتوا برای استنباط جنبه‌های فرهنگی پیام و تغییرات فرهنگی نیز به کار می‌رود. روش تحلیل محتوا را گاهی فن «پرسشنامه معکوس»^۱ نیز می‌نامند. پرسشنامه نامعلوم است و هدف تلویحاً یافتن این پرسشنامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده و یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسشنامه این هستند (عزتی، ۱۳۷۶، ص ۷۴؛ فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱).

جامعه آماری این تحقیق تعداد ۱۰۴ دعای موجود در کتاب صحیفه رضویه می‌باشد که به ادعیه رضویه معروف است. لازم به ذکر است که تحلیل‌های استخراج‌شده از این ادعیه در قالب جدولی با فرمت ذیل انجام شده است:

ردیف	متن دعا	قالب بیانی	جهت‌گیری	نقطه تمرکز	کدگذاری

به منظور انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جمله به صورت کمی و کیفی انتخاب شده و بر اساس آن جداول تحلیل محتوا تشکیل و سپس قالب‌های بیانی، جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات ادعیه امام رضا علیه السلام استخراج شده

است (برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۱، تمام اثر).

۲. حقوق فرزندان بر والدین

کدگذاری و مقوله بندی مجموعه آیات قرآنی و روایات بررسی شده در منابع حدیثی شیعه نشان می‌دهد که دین مبین اسلام برای فرزندان در نهاد خانواده، حقوق متعددی قائل شده و از این حقوق با تعبیر وظایف والدین نسبت به فرزندان یاد کرده است. مجموعه این وظایف را می‌توان در سه دوره تقسیم نمود: قبل از تولد، هنگام تولد و پس از تولد.

این تقسیم بندی نشان می‌دهد که دین مبین اسلام چقدر برای این نهاد مقدس ارزش قائل شده و حتی برای فرزندان پیش از تولد آنها و زمانی که به دنیا نیامده اند، نیز حقوقی تعیین کرده است. بخشی از حقوق فرزندان پیش از تولد بدین شرح است:

۲-۱. وظایف والدین قبل از تولد فرزند

والدین حتی قبل از انعقاد نطفه نیز دارای وظایفی نسبت به فرزند خویش می‌باشند چون جنین انسان در تکون و تطوّر خود، تنها تحت تأثیر عوامل ژنتیکی نیست، بلکه عوامل محیطی و اخلاقی نیز در آن اثرگذار است. رشد و نمو جنین، تحت تأثیر شرایط محیطی متعدد از لحاظ جسمانی و روانی و اخلاقی مادر می‌باشد. دانش پزشکی نوین اثبات کرده است که «نخستین عامل محیطی برای جنین، غذای مادر است، چون نیاز جنین به غذا در کمیت و کیفیت، هرچه به مرحله تولد نزدیک می‌گردد رو به افزایش می‌گذارد و لذا مادرانی که در آینده دچار کمبود از لحاظ غذایی هستند، غالباً کودکانی که دارای نقص جسمی و عقلی و اضطراب‌های شدید روانی می‌باشند، به دنیا می‌آورند» (اسلام و تعلیم و تربیت بخش ۱، ص ۱۴۶).

پزشکان تأثیرات و انفعالات زن آبستن را در جنین موثر می‌دانند. خوشحالی، ترس، اندوه، حب و بغض و نظایر آنها در زن آبستن اثر محسوسی در جنین می‌گذارد و لذا لازم است همسران و دیگر اعضای خانواده به مادران حامله، توجه ویژه داشته و علاوه بر رعایت جنبه بهداشتی، از نظر روانی و اجتماعی و احساسی نیز مورد عنایت ویژه باشند. مردان باید موجبات نشاط و



رضایت خاطر و آرامش آنها را فراهم آورند تا جنین در شرایط و محیطی مناسب رشد و نمو خود را آغاز کند.

در عین حال باید توجه داشت که پاکی فکر و اندیشه والدین و تقوای آنان نیز در فرزند مؤثر است. نوع غذا و حلال بودن آن نیز نقش بسزایی در پرورش فرزندشان دارد. لذا والدین موظفند با حفظ تقوای خویش در تولید نسلی صالح سهیم باشند. در هنگام انعقاد نطفه نیز والدین موظفند بسیاری از مسائل را مراعات کنند از جمله اینکه در زمان و مکان مناسب و با طهارت و آرامش خاطر و سلامتی جسم و جان، این کار را انجام دهند. در دوران بارداری نیز عوامل بسیاری در رشد جنین مؤثر هستند.

در این زمینه روایات زیادی از معصومین علیهم‌السلام وارد شده که بخشی از آنها بدین شرح است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَنَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ آكِلَ السَّفْرَجَلِ... وَ أَطْعَمُوهُ حَبَالًا كَمْ فَإِنَّهُ يَحْسِنُ أَوْلَادَكُمْ وَفِي رِوَايَةٍ يَحْسِنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ» (کافی، ج ۶، ص ۲۲)؛ روزی امام صادق علیه السلام پسر زیبایی را مشاهده نمود و فرمودند: لابد پدر این پسر در شب انعقاد نطفه او از میوه «به» استفاده نموده است، آنگاه امام علیه السلام دستور دادند که این میوه را به زنان باردار خود بخورانید تا بچه‌های شما زیبا به دنیا بیایند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز مبدأ سعادت و شقاوت بشر را در رحم مادر معرفی کرده و فرموده است: «لَشَقِي مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (ابن بابویه، توحید، ص ۳۵۶)؛ بدبخت کسی است که در شکم مادر بدبخت شده است و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده است.

۲-۲. وظایف والدین هنگام تولد فرزند

بخش دیگری از آموزه‌های دین اسلام در رابطه با حقوق فرزندان مربوط به همان لحظات و روزهای آغازین تولد فرزند است. در این ایام خاص نیز دین اسلام وظایفی را برای والدین تعیین کرده و از آنها به مثابه حقوق فرزندان تعبیر نموده است.

از جمله وظایف والدین پس از تولد فرزند آن است که نام زیبا و خوشآیندی برای او انتخاب

نمایند. نامی که باعث افتخار و سرور او باشد، نه سبب تحقیر و سرافکندگی وی و نامی که نشان دهنده عقیده و مرام مذهبی آنها باشد. در روایات اسلامی نسبت به این امر تأکید بسیار شده است که تنها به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

قال علی عليه السلام: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَصْعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً» (ابن بابویه، من لایحضر، ج ۴، ص ۳۷۲)؛ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او انتخاب کرده و در تربیت و تعلیم قرآن نسبت به او کوشا باشد. اولیاء اسلام به پیروان خود توصیه کردند که فرزندان خود را به اسامی پیشوایان بزرگ الهی نامگذاری نمایند.

عن النبی صلى الله عليه وآله: «مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَوْلَادٍ لَمْ يَسْمِ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي» (کافی، ج ۶، ص ۱۹)؛ پیامبر می‌فرماید: اگر کسی چهار فرزند داشته باشد و بر هیچکدام نام مرا نهد به من جفا کرده است.

از وظایف دیگر والدین پس از تولد نوزاد عبارتست از:

- ۱- میهمانی دادن
 - ۲- غسل نوزاد که فقهاء بر استحباب آن تأکید دارند
 - ۳- گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد از مستحبات است (وسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۶).
 - ۴- باز کردن کام نوزاد با تربت امام حسین عليه السلام (کافی، ج ۶، ص ۲۴).
 - ۵- تراشیدن موی سر در روز هفتم تولد (وسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۲).
 - ۶- صدقه دادن هم وزن موی او (وسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۲)
 - ۷- ختنه کردن وی (تحف العقول، ص ۸۲)
 - ۸- عقیقه و قربانی برای او (وسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۴)
- امام علی عليه السلام در رابطه با دوران شیرخوارگی که تأثیر فراوانی در جسم و جان فرزند دارد، می‌فرماید: «مَا مِنْ لَبَنٍ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَكْبَرَ بَرَكَهَ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (روضه المتقین، ج ۸، ص ۵۵۶)؛ هیچ شیری برای طفل با برکت تر و مناسب تر از شیر مادرش نمی‌باشد.
- همچنین ایشان در رابطه با اهمیت این دوران و نیز اهمیت نوع شیری که به فرزندان داده می‌شود، می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرِّضَاعَ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (وسائل،

ج ۱۵، ص ۱۸۸)؛ به همان اندازه ای که در انتخاب همسر دقت می کنید، در انتخاب و تعیین زن شیرده به فرزندتان نیز توجه نمایید زیرا شیر طبیعت ها را عوض می کند.

در این رابطه باید توجه داشت که کودک با خوردن شیر از سینه مادر و پرورش در آغوش گرم او، از عواطف و احساسات پاک او اشباع می شود. تامین بودن از محبت در سنین کودکی نقش بزرگی در دوران نوجوانی و جوانی کودک خواهد داشت. حتی امروزه به اثبات رسیده است که عدم اشباع عواطف کودک در سنین کودکی، موجب ناهنجاریهای روانی در دوران جوانی و نوجوانی و بزرگسالی می شود. شخصی که در دوران کودکی از عواطف صحیح برخوردار نبوده، در بزرگی فردی خشن و نسبت به انسانها بی تفاوت و از عواطف انسانی بی بهره خواهد بود. به همین دلیل از نظر اسلام مسئله شیر دادن به بچه آن اندازه مورد توجه قرار گرفته که حتی در انتخاب دایه شرائطی ذکر شده است که نشانه حساسیت امر می باشد.

بدون تردید طفل زمانی از شیر خوردن لذت می برد که با عواطف و محبت مادرانه همراه باشد. بنابراین در خلال شیر دادن به کودک، مادر باید آسودگی خاطر و آرامش کافی داشته باشد و از هر گونه ناراحتی و فشار و نگرانی و غصه به دور باشد. همچنین مادر باید تا جایی که امکان دارد خود را با کار زیاد خسته نکند و تا حد ممکن در کمال آرامش و شادابی کودک را تغذیه نماید. در اثر خستگی و اختلالات جسمی و روانی از میزان ترشح شیر مادر کاسته می شود زیرا در اثر خستگی جسمی و یا کار سنگین جریان خون بیش از همه بسوی عضو فعال و خسته متوجه شده و طبعاً از شدت جریان خون به غده پستان کاسته می گردد.

۲-۳. وظایف والدین پس از تولد فرزند

۲-۳-۱. رشد جسمانی فرزند

رشد جسمانی هر موجود زنده ای بویژه کودک با غذا و بهداشت کافی و آب و هوا و مسکن و خواب و استراحت و بازی و امثال آن بدست می آید. هر کدام از آنها بر حسب اختلاف سن یا حالات صحت و بیماری، حاجات مختلفی دارد. نوع و مقدار غذا و خوابی که کودکان در سالهای اول زندگی بدان نیاز دارند با سالهای بعد متفاوت است.



والدین موظفند نیازهای جسمانی فرزند خویش را از قبیل غذا، مسکن، لباس، بهداشت و ... مادامیکه در دوران کودکی بسر می‌برند و توانایی کار و کوشش را ندارند، تامین نمایند. در دوران جوانی و بزرگسالی نیز، چنانچه والدین متمکن و ثروتمند باشند و فرزند در فقر بسر برد آنها واجب است به اندازه امکاناتشان احتیاج وی را برطرف نمایند.

«تجب النفقه علی الابوين فصاعدا و هم آباء الاب و امهاته و ان علوا و آباء الام و امهاتها و ان علوا و الاولاد فنازلا، ذكوراً ام اناثاً، لابن المنفق ام لبنته...»^۱ نفقه شخص بر پدر و مادرش و اجداد پدری و مادری او واجب می‌باشد و همچنین بر فرزندان و نوه‌هایش چه مذکر باشند و چه مونث و چه نوه‌هایش دختری باشند و چه پسری.

در تعالیم اسلامی آموزش و پرورش و تربیت بدنی فرزند از اهمیت بسزایی برخوردار است. تربیت بدنی به آمادگی جسمانی فرد توجه داشته و می‌کوشد فرد را در بهره‌برداری مطلوب از نیروهای بدنی خود راهنمایی و یاری کند و نیز فرصت‌هایی فراهم آورد که فرزندان به فعالیت‌های بدنی لازم و مطلوب پرداخته و بین فعالیت‌های ذهنی خود تعادل برقرار نمایند. از این رو اسلام نیز مسئله ورزش و تقویت جسم را مورد توجه قرار داده و از مسلمانان می‌خواهد که با جدیت تمام، خود را از نظر جسمی رشد دهند.

ورزش‌هایی که در اسلام پیشنهاد شده علاوه بر فایده تقویت روحی و بدنی متضمن فوائد دیگر و هدف‌های عالی برای حوادث و پیشامدهای زندگی از قبیل جنگ یا غرق شدن و امثال آن می‌باشد. سوارکاری و تیراندازی در اسلام یکی از ورزش‌های مهمی است که به خاطر منافع و مصالح عالیه مملکت، مطابق جنگ آن روز به مسلمین پیشنهاد شده است و این ورزش در تمام کتب فقهی، عنوان و موقعیتی را برای خود کسب کرده است.

امیرالمومنین علی علیه‌السلام به پدران می‌گوید: «به فرزندان خود شناوری و تیراندازی بیاموزید.»^۲
«ابن سینا می‌گوید تا سن چهارده سالگی نباید تمام اوقات طفل صرف تحصیل شود، بلکه

۱ - شرح لمعه، ج ۵، ص ۴۷۳

۲ - کافی، ج ۶، ص ۴۷

باید قسمتی نیز صرف ورزش گردد. به عقیده ابن سینا ورزش های کودک می تواند راهپیمائی، پرش، توپ بازی، طناب بازی، دو، کشتی، اسب سواری، شمشیر بازی و ... باشد.^۱

بازی در زندگی فرزند نقش مهمی دارد. او نه تنها از بازی لذت می برد، بلکه در ضمن بازی فرصت های خوبی برای بیان احساسات خود پیدا می کند. بازی در رشد عاطفی وی موثر است یعنی علاوه بر اینکه ضمن بازی طرز ابراز عواطف مختلف را فرا می گیرد بتدریج بهتر می تواند عواطف خویش را کنترل کند. در روایات اسلامی توجه مخصوصی به بازی کودکان شده است:

عن ابی عبدالله علیه السلام: « دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَعِ سِنِينَ... »^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: فرزندت را رها کن تا هفت سالگی به بازی مشغول باشد. پیامبر اسلام پدران و مربیان را گوشزد می نماید که هرگاه در کودکان خود جنبش های فوق العاده و باصلاح شیطننت، مشاهده کردند از او مأیوس و ناامید نگردند. زیرا ممکن است این حالت یعنی شدت علاقه به بازی و فعالیت فوق العاده او در خردسالی، منجر به اخلاق فاضله و بهنگام بزرگسالی شود.

« عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ »^۳ شیطننت و لجاجت کودک بهنگام خردسالی نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است.

در تعالیم اسلامی به والدین سفارش شده که با دنیای کودک هماهنگی کرده و در بازی های کودکانه او شرکت نمایند. قال النبی صلی الله علیه و آله: « مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ »^۴ کسی که کودکی دارد باید با او رفتار کودکانه داشته باشد.

۲-۳-۲. تربیت فرزند

دانشمندان تعلیم و تربیت اسلامی دو نظر اساسی درباره امکان تغییر اخلاق اظهار نموده

۱ - تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۳۹ به نقل از آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودکان، ص ۱۳۰

۲ - کافی، ج ۶، ص ۴۶

۳ - اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۲۵۱

۴ - وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۳

اند، که یکی از آنها، نظریه اخلاق و استعداد‌های پنهان است. و دیگری نظریه صفحه پاکیزه از نقش ذهن انسانی است.

الف) نظریه اخلاق‌ها و استعداد‌های مخفی و پنهان:

این نظریه می‌گوید: که فرزند انسانی دارای سجایای اخلاقی و صفاتی بالقوه است که قابلیت رشد و به فعلیت رساندن آنها را دارا می‌باشد. این امر در صورتی است که شرایط تربیت فراهم باشد. صفات مخفی را در عقل و نهاد کودک و نوجوان به بذری تشبیه کرده‌اند که در زمین نهان است. استعدادی که در مغز انسان است و بذری که در دل زمین نهفته است زمانی رشد و نمو پیدا می‌کند که محیط مناسبی برای آنها فراهم شود.

ب) نظریه صفحه پاکیزه از نقش:

«مریبان اسلامی این نظریه را اینگونه تفسیر نموده‌اند: که کودک دارای هیچ نقشی نیست و بنابراین قابلیت دارد که هر نقشی را پذیرا باشد. وی دارای هیچ رأی و تصمیمی نیست که او را به چیزی و یا از چیزی متمایل سازد. بنابراین اگر کودک را از هنگام خردسالی به صفات و به رفتارهای خوب عادت دهند، به همان صفات پرورش می‌یابد و به آنها خو می‌گیرد. اما اگر او را به حال خود واگذارند و در تربیت او اهمال شود. به اخلاق بد و عادات ناپسند تا آنجا خو می‌گیرد که آن عادات به صورت ملکه راسخی در می‌آید که از میان بردن آن دشوار می‌گردد.»^۱

حضرت علی علیه السلام در نامه معروف خود به فرزندشان امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ»^۲ دل جوان همچون زمین خالی است، هر تخم که در آن افشاندن شود بپذیرد. پس به ادب نمودن تو پرداختم قبل از آنکه دلت سخت گردد و عقل و خردت گرفتار شود.

بسیاری از دانشمندان معتقدند که فرزند انسان ذاتاً قابل خیر و شر آفریده شده است و پدر و

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، بخش ۱، ص ۲۶۱

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۹۱۲

مادرند که او را به یکی از این دو امر متمایل می سازند. دلیل این مطلب گفتار پیامبر اسلام ﷺ است که فرمود: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَإِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِيَهُ وَيَنْصَرَانِيَهُ وَيَمَجْسَانِيَهُ»^۱ هر فرزندی براساس فطرت اسلامی زاده می شود. پدر و مادرند که او را با یهودیت و نصرانیت و مجوسیت سوق می دهند و از صراط مستقیم منحرف می سازند.

همزمان با رشد و تکامل جسم هر کودک و نجوانی باید روان او نیز راه تعالی و رشد را بییماید. همانطور که سلامت جسم آنها مورد توجه است سلامت عواطف و روحیات آنها نیز باید موردکمال توجه باشد. کسانیکه در کودکی با روش صحیح تربیت نشده اند تغییر خلق و خوی بد آنها در بزرگی بسیار مشکل است. خوشبخت ترین افراد کسانی هستند که از اول با پرورش صحیح و سالم بار آمده اند و صفات عالیه ملکه آنها شده و در بزرگی بدون زحمت و خودسازی آنها را بکار می بندند. پرورش ایمان و اخلاق پسندیده در روان کودک و نوجوان و تعلیم فرائض دینی از جمله حقوق فرزندان است. در این باره روایات بسیاری رسیده است. حضرت سجاد علیه السلام در ضمن حقوق فرزند فرموده است: «وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وِلَيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ»^۲ پدر در حکومتی که به فرزند دارد مسئول است که فرزندش را مودب و با اخلاق پسندیده پرورش دهد و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کند. آشنایی با علوم اسلامی از قبیل احکام، عقاید و علوم دیگر و یادگیری قرآن و کتاب از جمله حقوق دیگر فرزند است که لازم است والدین به آن قیام کنند.

یکی از بزرگترین وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند پرورش فطرت راستگویی در وی است. پدر و مادر موظفند در محیط خانواده طوری رفتار نمایند که آنها به راستی و راستگویی عادت کنند و به راه دروغگویی که انحراف از صراط مستقیم فطرت است گرایش پیدا نکنند. و این امر از پرورش بسیاری از صفات در فرزندان، دشوارتر است. اولین راه مبارزه با ناخوشی دروغ، شناختن ریشه مرض است. بدون تردید یک حالت روانی در باطن دروغگو وجود دارد که باعث دروغ

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۲۶۲

۲- تحف العقول، ص ۱۸۹

گفتن او می‌شود و تا زمانی که آن علت برطرف نشود ناخوشی دروغ علاج نخواهد شد.

ترس و ضعف، عجز، احساس حقارت، عقده حقارت، یا بعضی از حالات نفسانی نظیر اینها می‌تواند بشر را از راه مستقیم فطرت راستگویی منحرف کند و به دروغگویی وادارش نماید. عن النبی ﷺ: « لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ »^۱ دروغگو دروغ نمی‌گوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می‌کند.

یکی از علل دروغگویی فرزندان، تکالیف سنگین بر آنها و تحمیل نمودن و توقع بیش از طاقت از آنان داشتن است. رسول اکرم ﷺ فرمود: خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خودش کمک کند راوی حدیث پرسید چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟ حضرت فرمودند: آنچه را که فرزند در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند و آنچه انجام آن برای وی سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد و او را به گناه و طغیان وادار نکند و به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود.^۲

یکی دیگر از عوامل روانی که باعث دروغ گفتن فرزندان است احساس تحقیر است. به موجب تعالیم مذهبی و علمی، پدران و مادران موظفند به شخصیت آنها احترام بگذارند. یکی از مهمترین عوامل پرورش فطرت راستگویی در آنها، محیط زندگی خانواده است. جائیکه پدران و مادران، راستگو هستند و هرگز پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، فرد طبعاً به راه راستی می‌رود و راستگو بار می‌آید و موانعی را که از نظر روانی در سر راه او پیدا می‌شود به آسانی می‌توان برطرف کرد. یکی از صفات پسندیده که در ساختمان آدمی ریشه فطری دارد وفا به عهد است. فرزند انسان از موقعی که معنی عهد و پیمان را درک می‌کند لزوم وفا به آن را نیز فطرتاً می‌فهمد. مربی لایق باید از این الهام طبیعی استفاده کند و وی را با وفا به عهد تربیت نماید و این درک فطری را طوری در او پرورش دهد که از دوران کودکی وفا به عهد را یکی از وظایف خود بشناسد و خلف وعده را قبیح تلقی نماید.

۱- کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۴۱

۲- کافی، ج ۶، ص ۵۰

قال النبی ﷺ «إِذَا وَعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّةً فَلْيُبْنِحْ»^۱ پیامبر می فرماید: اگر کسی از شما به فرزندش وعده ای داد پس بدان عمل نماید.

«پدر و مادر پیمان شکن با رفتار نادرست خود، به فرزند خود درس نقض عهد می دهند و عملاً به او می آموزند که آدمی می تواند دروغ بگوید، مردم را بفریبد، صریحاً عهد کند و در مقام عمل آن را نقض کند.»^۲

۲-۳-۳. تعلیم فرزند

وراثت عامل مهمی در تکوین جسم و روح هر انسانی است. حالات نفسانی و ملکات خوب پدر و مادر بر روی فرزندان اثر می گذارد، پاکی و ناپاکی، شجاعت و ترس، سخاوت و بخل و سایر صفات هر کدام زمینه مساعدی برای خوبی و بدی در فرزند ایجاد می کند ولی این صفات قضا و قدر حتمی و سرنوشت قطعی نیست و می توان از راه تربیت خوب زمینه های بد را اصلاح کرد و بوسیله تربیت های بد زمینه های خوب و مساعد را از بین برد. بنابراین والدین وظیفه دارند تمام تلاش خویش را در جهت تعلیم و تربیت فرزند خود بکار برند تا از وی فردی صالح و مفید به حال جامعه بسازند و توجه کامل به امور ذیل مبذول دارند.

۲-۳-۴. محبت به فرزند

یکی از بهترین وسایل پرورش صحیح عواطف فرزندان، نوازش آنها و ابراز مهر و محبت نسبت به آنهاست. همانطور که فرزندان فطرتاً به غذا و آب و هوا و خواب احتیاج دارند به محبت و نوازش نیز محتاج هستند. محبت مطبوع ترین غذای روان آنهاست، فرزندان از بوسیدن، بوییدن، در آغوش گرفتن، نوازش کردن، محبت نمودن، مسرور می گردند و لذت می برند. فردی که از دوران اول کودکی بقدر کافی از مهر پدر و مادر بهره برده و از چشمه گوارای محبت سیراب شده است روحی شاد و روانی با نشاط دارد. او در باطن خود احساس محرومیت

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰

۲- کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۲۷

نمی‌کند و گرفتار عقده‌های درونی نیست. در دل وی گل‌های فضائل اخلاق به آسانی شگفته می‌شود و اگر در زندگی با موانعی مواجه نگردد بشری مهربان و با فضیلت، انسان دوست و خدمتگزار خواهد شد.

در روایات اسلامی محبت به فرزند، به صورتهای مختلف توصیه شده و اولیاء اسلام پیروان خود را در این باره سفارش‌های موکد نموده‌اند. عن الصادق علیه السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِيَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ»^۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند بزرگ است.

عن ابی‌عبد... قال: قال رسول الله ﷺ: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ آنکس که فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه‌ای را در نامه عمل او ثبت خواهد کرد و آنکس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت مسرور می‌نماید.

افرادی که از محبت خانوادگی و از مهر و نوازش پدر و مادر محروم مانده‌اند ضمیری افسرده و روحی ناشاد دارند. روان‌مأیوس و ناامید آنها همواره مستعد انحراف و تجاوز است. «این انسانها غالباً در بزرگی با خاطره‌ای تلخ و دردناک از کودکی و از پدر و مادر خویش، مردمی حساس، زودرنج، مایوس، ناسازگار، ناراضی، پرتوقع، بدبین، آماده برای قهر و طغیان و خودکشی، ارتکاب بزه و بیماری‌های روان‌تنی و عصبی می‌شوند»^۳

همچنین آیین مقدس اسلام از سوی دیگر در برنامه تربیت فرزندان، اولیاء آنها را از زیاده‌روی در اعمال محبت برحذر داشته است. آنانکه در مهر و نوازش فرزندان، افراط می‌کنند و با روش ناپسند خویش آنان را به بیماری خودپسندی و از خودرضایی مبتلا می‌نمایند مورد بدبینی پیشوایان اسلام هستند.

عن ابی‌جعفر علیه السلام قال: شر الاءاء من دعاه البرالی الافراط و شر الاءاء من دعاه التقصیرالی العقوق»^۴

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۹

۲- کافی، ج ۶، ص ۴۹

۳ کتاب روح بشری، ص ۱۰۳ به نقل از کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۱۶۷

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۵۳ به نقل از کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۲۴۷

امام باقر علیه السلام می فرمایند: بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده روی و افراط بگرایند و بدترین فرزندان کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظائف پدر را از خود ناراضی نمایند.

در نتیجه والدین موظفند در ابراز محبت نسبت به فرزندان عدالت را رعایت کرده و از تبعیض در میان اولاد خویش جداً خودداری نمایند. پدری با ۲ فرزند خود به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد. یکی از فرزندان را بوسید و به فرزند دیگر اعتنا نکرد. پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد به او فرمود: چرا با فرزندان خود به طور متساوی رفتار نمی کنی؟^۱ بی عدالتی در اظهار محبت نسبت به فرزندان باعث ایجاد عقده حقارت و حسادت میان آنها می شود. البته با توجه به اینکه عواطف و احساسات دختر نسبت به پسر بیشتر می باشد. گاهی لازم است والدین دختران را مقدم دارند. پیامبر می فرماید: هرگاه تحفه ای را به خانه آوردید اول از دخترها شروع کنید.^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک جمله کوتاه و فشرده، مهمترین حقوق کودکان را با تعبیر محبت و ترحم به آنها خلاصه فرموده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره کودکان و خردسالان به اولیاء آنها می گویند: « أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرِزُقُونَهُمْ »^۳ رسول خدا فرمود: به کودکان محبت کنید و نسبت به آنها ترحم نمائید، وقتی به آنان وعده دادید، وفا نمایید زیرا آنها جز اینکه شما را روزی دهند خود می بینند تصور دیگری ندارند.

ترحم به یک فرد متضمن اجراء تمام حقوق و مزایا درباره او می باشد. امام سجاد علیه السلام فرمود: «و اما حق فرزند تو این است که بدانی او از تو و پیوسته به تو در خیر و شر دنیا تبعیت می کند، و تو مسئول او از لحاظ نیک ادب کردن و راهنمایی به پروردگارش و کمک به اطاعت او هستی. پس عمل تو درباره او مانند عمل کسی باشد که می داند در احسان به او دارای وظیفه است و در

۱ - مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰

۲ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۸۵

۳ - من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۳۱۱

مسامحه و بدی نسبت به او کیفر می بیند.»^۱ امام سجاد علیه السلام در روایت فوق به پدران یادآور شده است که خیر و شر فرزند در دنیا به اوستگی دارد و اومسئول دین و ادب فرزند و احسان به فرزند خود می باشد بنابراین پدر مهمترین مسئولیت را نسبت به کودک خود دارد. چون محبوبترین موجود نزد خداوند کودکان هستند.

۲-۳-۵. احترام به فرزند

یکی از سرمایه‌های فطری و ذخائر طبیعی که در باطن هر انسانی به قضاء حکیمانانه الهی مستقر شده است غریزه حب ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس به خود علاقه دارد و بالفطره عاشق و شیفته خویشتن است و هیچ چیز در نظر آدمی به قدر خودش عزیز و محبوب نیست. حب ذات یکی از مهمترین و اساسی ترین پایه‌های ثابت تربیت فرزند است. مربی لایق می تواند از این سرمایه فطری استفاده کند و در پرتو غریزه حب ذات بسیاری از سجایای اخلاقی و صفات پسندیده را در وی پرورش دهد. غریزه حب ذات در مزاج هرنوجوان و جوانی، نیروی مهمی است که اگر عاقلانه و با برنامه صحیح رهبری شود و مورد استفاده قرار گیرد منشاء خوشبختی و سعادت است و اگر درست رهبری نشود بدبختی‌های بزرگی را بیار می آورد.

یکی از طرق ارضاء غریزه حب ذات، تکریم فرزندان و توجه به شخصیت آنها است. جوان و نوجوانی که بقدر کافی در خانواده احترام می شود و غریزه حب ذاتش به اندازه صحیح ارضاء گردد روحیه ای طبیعی و روانی معتدل دارد. از چنین شخصی می توان توقع اخلاق پسندیده و رفتار عادلانه داشت. در غیر اینصورت چنین فردی در معرض انحرافهای گوناگونی است و در راه زندگی با خطراتی مواجه می شود. احترام به فرزند و حسن معاشرت پدر و مادر با وی، یکی از اساسی ترین عوامل ایجاد شخصت در وی می باشد. رهبرگرامی اسلام این برنامه بزرگ را در یک عبارت بسیار کوتاه بیان فرموده است و صریحاً اجرای آن را به پیروان خود دستور داده است.

عن النبی صلی الله علیه و آله: « أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يَغْفِرْ لَكُمْ »^۲ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- بحار، ج ۷۴، ص ۵

۲- بحار، ج ۱۰۴، ص ۹۵



«فرزندان را مورد احترام قرار داده و در تربیت و حسن ادب آنها بکوشید. برای اینکه پدران و مادران، دین تربیتی خود را به فرزندانشان، ارائه نمایند و آنان را طوری پرورش دهند که بدون فشار و تهدید، به خوبی‌ها گرایش پیدا کنند و از بدی‌ها اجتناب نمایند. لازم است در آنان ایجاد شخصیت کنند و به آنها احترام بگذارند. باید آنها را طوری تربیت کنند که آنها باور نمایند که عضو مستقل خانواده و مورد تکریم و احترام اعضای خانواده هستند. «زمانیکه آنها افکار خود را با شما در میان می‌گذارند، مسخره شان نکنید و هر ساعت و هر دقیقه به آنها نگویید آن کار را بکن و آن کار را نکن. دیگر دلیلی برای نافرمانی آنه باقی نمی‌ماند و بندرت اتفاق می‌افتد که از دستورات شما سرپیچی کنند. بوسیله همین نظم است که به دیگران احترام می‌گذارند و خود را در نظر مردم محترم می‌سازند و با همه کس روابط نیکو دارند. زیرا حق هر کس را می‌دهند برای اینکه بتواند حق خود را نیز طلب نمایند.»^۱

۲-۳-۶. تعدیل غریزه جنسی فرزند

غریزه جنسی یکی از مهمترین فطریات یک نوجوان و جوان است، این غریزه در پرتو یک سلسله قوانین و مقررات دقیق طبیعی راه رشد و تکامل خود را می‌پیماید و تا رسیدن به ایام بلوغ منازلی را طبق برنامه فطرت قدم بقدم طی می‌کند. برای اینکه فرزندانشان دچار انحراف جنسی نشوند و برای اینکه با تمایل عالی عفت، بار بیابند لازم است پدران و مادران با برنامه تربیتی صحیحی که هم آهنگ برنامه فطرت باشد، آنها را از نظر غریزه جنسی تحت مراقبت قرار دهند و آنان را به راه صحیح و سعادتبخش رهبری نمایند. اسلام به والدین توصیه می‌کند از زمانی که فرزند قدرت تمیز مسائل جنسی را پیدا می‌کند وی را از عوامل مهیج و تحریک کننده دور نگه دارند. پیامبر در این زمینه توصیه می‌کنند که «موقعی که فرزندانشان شما هفت ساله شدند بستر خوابشان را از یکدیگر جدا کنید.»^۲ کودکانی که در محیط بی‌عفتی و شرایط مهیج شهوت تربیت می‌شوند پس از بلوغ به عوارض مختلف روحی و انحرافات اخلاقی و عقده‌های روانی دچار خواهند شد.

۱- چه می‌دانم؟ اطفال دشوار، ص ۷۱ به نقل از کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، ص ۹۰

۲- بحار، ج ۱۰۴، ص ۹۶

۳. حقوق والدین بر فرزندان

والدین در طول زندگی فرزند زحمات طاقت فرسایی برای او متحمل می شوند آنها از تمام وجودشان مایه می گذارند تا فرزند دلبندشان در آرامش و راحتی زندگی را بسربرد مادر رنج دوران بارداری را متحمل شده و از شیر جانش به فرزند می خوراند و شبهای بسیار را در کنار فرزند بیدار می ماند و درد فرزند را درد خودش می خواند. پدر نتیجه زحمات خویش را با طیب خاطر در اختیار فرزندانش قرار می دهد و با تمام وجودش از آنها حمایت می کند.

در مقابل چنین فداکاریهایی فطرت سالم متواضع می شود و نمی تواند شکر و احسان متقابل انجام ندهد و اسلام که دین فطرت است و دستوراتش براساس فطرت انسان صادر گردیده برای فرزند وظایفی را مشخص می کند تا فرزندان بتوانند مقداری از زحمات والدین خویش را جبران کنند و آیات و روایات بسیاری که بر وظیفه سنگین فرزند نسبت به والدین تاکید دارد نشان دهنده اهمیت فراوان این وظیفه می باشد.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقشان از حق پدر و مادر به عظمت یاد کرده اند و زحمات و ایثارگریهای آنان را گوشزد کرده و حق آنها را آنقدر عظیم دانسته اند که فرموده اند جز با یاری خداوند و توفیق او کسی قادر به شکر زحمات آنها نمی باشد. «... وَ أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَعْطَتْكَ مِنْ مَمْرَةٍ قَلْبَهَا مَا لَا يَعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تُطْعِمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوكَ وَ تَصْحَى وَ تُظَلِّكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَّتَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فِائَتَكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ»^۱ و اما حق مادرت بر تو این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرده که کسی این کار را نمی کرد و از میوه قلبش تو را تغذیه کرده در حالیکه دیگری چنین کاری را انجام نمی داد و تو را با تمام اعضایش حفظ کرد. او خود گرسنه می ماند اما به تو غذا می داد، تشنه بود اما ترا سیراب می نمود بی لباس بود اما ترا می پوشاند، خود در آفتاب سوزان بود و تو را در سایه آغوشش پناه می داد و خواب را به خاطر تو رها می کرد و تو را از گرما و سرما حفظ می کرد تا برای او باشی و تو توانایی

سپاسگزاری زحمات او را نداری مگر با یاری خداوند و توفیق او.

« وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ فَإِنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَهَمَّا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا يَعْجِبُكَ فَأَعْلَمَ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ التَّعَمَّةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ^۱ » و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل تست و اگر نبود تو نبودی و اگر چیزی در خود دیدی که می خواست باعث غرورت شود پس بدان که پدرت اصل نعمت بر تو است پس خدا را حمد و سپاس کن چرا که هیچ نیرویی نیست مگر به اراده او. از وظایف مهم فرزند نیکی به پدر و مادر و آزار ندادن آنها می باشد. در این مباحث ما به وجوب احسان به والدین و حرمت حقوق آنها اشاره کرده و ثمرات نیکی به ایشان را برشمرده ایم.

در ادامه بخش های دیگری از حقوق والدین که بر عهده فرزندان می باشد، بیان شده است:

۳-۱. اطاعت از والدین

اغلب والدین مصلحت و پیشرفت فرزندان خود را طالبند و فطرت آنها چنین ایجاب می کند و بسیار نادرنند والدینی که بر ضرر و زیان فرزندان شان گام بردارند روی این اساس و با توجه به تجارب ارزشمندی که پدر و مادر در سالیان متمادی کسب کرده اند اسلام به پیروانش دستور می دهد که به جز مواردی که پدر و مادر امر به حرام و یا نهی از واجب می کنند لازم است فرزند از آنها پیروی و اطاعت کند. این امر باعث می شود که فرزند به راه خیر و صلاح هدایت شده و شخص مفیدی برای جامعه باشد و از طرفی با اطاعت والدینش رضایت آنها که همان رضای خدا است را بدست آورد و این عمل گرمی خاصی به کانون خانواده می بخشد و سبب می گردد که مهر و عطوفت در بین اعضای آن حاکم شده و از آن در جهت تکامل و اعتلای خود استفاده نمایند.

قال رسول الله ﷺ: « أَطِيعُوا آبَاءَكُمْ فِيمَا أَمَرُكُمْ وَلَا تُطِيعُوهُمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ »^۲ رسول خدا ﷺ فرمود: پدر و مادرتان را در آنچه به شما امر می کنند اطاعت کنید اما اطاعت آنها را در مواردی که

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶

۲- بحار، ج ۶۸، ص ۲۸۱

باعث معصیت خدا می شود انجام ندهید.

بر مبنای روایات اهل بیت علیهم السلام بخش مهمی از حقوق و امتیازات والدین بدین شرح است:

- ۱- مسافرت‌های مباح و مستحبی فرزندان بدون اجازه آنها جایز نیست.
- ۲- پیروی از آنان در تمام امور واجب است. حتی در موارد شبهه و مشکوک زیرا احتیاط در این موارد مستحب است ولی اطاعت از والدین واجب.
- ۳- اگر والدین در وقت فضیلت نماز از فرزندان خود کاری را بخواهند باید نماز را به تأخیر انداخته و از آنان پیروی نمایند. زیرا نماز خواندن در اول وقت مستحب بوده ولی اطاعت والدین واجب است و بر امر مستحبی مقدم می باشد.
- ۴- والدین حق دارند فرزند خود را از جهاد با دشمن منع کنند مگر اینکه امام علیه السلام شخصاً او را به جهاد مأمور سازد و یا اینکه جبهه اسلام در برابر هجوم دشمن ضعیف باشد.
- ۵- اگر شرکت فرزندان در نماز جماعت با آن همه ثوابی که دارد موجب ناراحتی والدین گردد نباید نماز را به جماعت بخوانند.
- ۶- در واجبات کفائی چنانچه دیگران آنها را انجام دهند، والدین حق دارند فرزند خود را از شرکت در انجام آنها باز دارند.
- ۷- چنانچه والدین در نمازهای مستحبی فرزند خود را صدا کنند، فرزند باید نماز خود را بشکند و به آنان جواب دهد.
- ۸- اجتناب کردن از هرگونه آزار و اذیت به آنان ولو اینکه بسیار ناچیز باشد و جلوگیری از آزار دیگران.

۹- روزه‌های مستحبی فرزندان بدون اجازه والدین جایز نیست.

۱۰- نذر و عهد و قسم اولاد، بدون اجازه والدین صحیح نیست.^۱

پدر و مادر یا هر دو آنها با هم هرگز حق ندارند پسر خود را در امور ازدواج مجبور نمایند و نظر خویش را بروی تحمیل نمایند اگرچه از نظر اخلاقی کلیه فرزندان وظیفه دارند از تجربه‌های پدر

و مادر استفاده نمایند. زیرا علاوه بر حقوق والدینی از جهت تجربه و عقل و اندیشه نیز بالاتر بوده و دین اسلام هم ما را به «مشورت در امور» دستور داده است. در مورد ازدواج دختران، مادران هرگز ولایتی نداشته و هیچگونه حق اجبار و مداخله ندارند و اما از نظر اخلاقی می توانند فرزندان خود را راهنمایی نمایند. بدون اینکه جنبه الزام داشته باشد. و اما پدران نیز در مورد دخترانی که یکبار شوهر کرده و به اصطلاح «ثیبه» می باشند نمی توانند در ازدواجهای بعدی آنان دخالت الزامی بکنند و اختیار و آزادی فرزندان را در انتخاب همسر مورد نظر سلب کنند. اما اگر دخترها تا به حال ازدواج نکرده و «بکر» بوده باشند، در مورد دخالت پدرها در ازدواج آنان، از نظر روایات و فتواها اختلاف نظر وجود دارد.

۳-۲. احسان به والدین

گرچه عواطف انسانی و مساله حق شناسی به تنهایی برای رعایت احترام در برابر والدین کافی است ولی از آنجا که اسلام حتی در مسائلی که هم عقل در آن استقلال کامل دارد و هم عاطفه آن را به وضوح در می یابد سکوت روا نمی دارد بلکه به عنوان تاکید در این گونه موارد هم دستورات لازم را صادر می کند و هم در مورد احترام والدین آنقدر تاکید کرده است که در کمتر مسأله ای دیده می شود. در چهار سوره از قرآن نیکی به والدین بلافاصله بعد از مساله توحید قرار گرفته است این هم ردیف بودن ۲ مساله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. (بقره آیه ۸۳، نساء آیه ۴۸، انعام آیه ۱۵۱، اسراء آیه ۲۳).

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»^۱

«فرمان قطعی خداست که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید هرگاه یکی از والدین و یا هر دو آنها در نزد تو به سن پیری برسند، کوچکترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنان اُف مگو و

گفتار بزرگوارانه و مودبانه به آنان بگو، بالهای تواضع خود را فرو آور، و بگو پروردگارا همانگونه که آنان مرا در کوچکی تربیت نمودند، مورد لطفشان قرار ده.»

در این آیه قسمتی از ریزه کاریها برخورد مودبانه و فوق العاده احترام آمیز فرزندان را نسبت به پدران و مادران بازگو می کند:

۱- از یک سو انگشت روی حالات پیری آنها که در آن موقع از همیشه نیازمند تر به حمایت و محبت و احترامند گذارده، می گوید: کمترین سخن اهانت آمیز را به آنها مگو. آنها ممکن است بر اثر کهولت به جایی برسند که نتوانند بدون کمک دیگری حرکت کنند، و از جا برخیزند وقتی ممکن است قادر به دفع آلودگی از خود نباشند، در این موقع آزمایش بزرگ فرزندان شروع می شود، آیا وجود چنین پدر و مادری را مایه رحمت می دانند و یا بلا و مصیبت و عذاب، آیا صبر و حوصله کافی برای نگهداری احترام آمیز از چنین پدر و مادری را دارند و یا هر زمان با نیش زبان و حتی گاهی با تقاضای مرگ او از خدا، قلبش را می فشارند و آزار می دهند؟

۲- از سوی دیگر قرآن می گوید: در این هنگام به آنها آف مگو، یعنی اظهار ناراحتی و ابراز تنفر مکن و باز اضافه می کند با صدای بلند و آهانت آمیز و داد و فریاد با آنها سخن مگو و با قول کریم و بزرگوارانه با آنها سخن بگو که نهایت ادب در سخن را می رساند که زبان کلید قلب است.

۳- از سوی دیگر دستور به تواضع و فروتنی می دهد، تواضعی که نشان دهنده محبت و علاقه می باشد و نه چیز دیگر.

۴- سرانجام می گوید: حتی موقعی که رو به سوی درگاه خدا می آوری پدر و مادر را (چه در حیات و چه در ممات باشند) فراموش مکن و تقاضای رحمت پروردگار برای آنها بنما»^۱

علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان می فرماید: «اطاعت والدین و نیکوکاری در مورد آنان پس از توحید از اهم واجبات بوده و کوتاهی در حقوق آنها پس از شرک به خدا از بزرگترین گناهان است.»^۲

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۵

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۷۹

احترام گذاشتن به والدین و جلب رضایت آنها آنقدر دارای اهمیت است که پیامبر ﷺ رضا و خشم والدین را سبب رضا و خشم خداوند بیان فرموده است.

قال النبي ﷺ: «رَضِيَ اللَّهُ مَعَ رِضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطَ اللَّهُ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ»^۱

اهمیت احترام به والدین تا آن پایه است که هم قرآن و هم روایات صریحاً توصیه می کنند که حتی اگر پدر و مادر کافرو یا ناصالح باشند رعایت احترامشان لازم است.

«وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۲ اگر پدر و مادرت سعی کنند که تو چیزی را شریک من قرار دهی از آنان پیروی نکن، اما در دنیا به خوبی و نیکی با آنان معاشرت و رفتار نما.

عن علی بن موسی الرضا عليه السلام: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳

امام رضا می فرمایند: نیکی کردن بر پدر و مادر واجب است اگرچه مشرک و کافر بوده باشند، ولیکن اطاعت آنان چنانچه سبب معصیت و نافرمانی خدا گردد جایز نیست.

از موارد احسان به والدین رعایت ادب و احترام در مصاحبت با آنها است. امور بسیاری در روایات اهل بیت عصمت و طهارت بیان شده که باید در معاشرت با ایشان رعایت شود.

- ۱- هرگاه صدای والدین می زند آنها را با نام نخواند بلکه لقب یا کنیه ایشان را ذکر کند.
- ۲- جلو آنها راه نرود و پیش از ایشان ننشیند.
- ۳- قبل از آنها شروع به خوردن طعام ننماید.

حضرت سجاد با مادر خود هم خوراک نمی شد و می فرمود می ترسم برای لقمه ای دست دراز کنم که مادرم قصد آنرا داشته پس با این عمل رعایت حرمت و ادب او را ترک کرده باشم.

- ۴- در مجلس روی خود را از ایشان برنگرداند.

۱- بحار، ج ۷۴، ص ۸۰

۲- سوره لقمان، آیه ۱۵

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۲

۵- در سخن گفتن صدای خود را بلندتر از ایشان نکنند.

۶- دست خود را بالای دست آنها قرار ندهد.

۷- کاری نکنند که مردم پدر یا مادرش را بد بگویند و سب و لعن نمایند مثل اینکه پدر کسی را سب کند که او هم برگردد پدرش را دشنام گوید.

۸- مجبورشان نسازد که چیزی را که نیاز دارند از وی بخواهند (بلکه قبل از سوال آنها نیازشان را برآورد) گرچه بی نیاز از او باشند.

۹- دیدگانش را به آنها خیره نکند با مهربانی و دلسوزی به آنها نگاه کند.

۱۰- صدایش را از صدای آنها بلندتر نکند.

سید قطب در تفسیر فی ظلال، حدیثی به این مضمون از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که مردی مشغول طواف بود و مادرش را بر دوش گرفته طواف می‌داد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در همان حال مشاهده کرد عرض کرد آیا حق مادرم را با این کار انجام دادم. حضرت فرمود: نه، حتی جبران یکی از ناله‌های او را (به هنگام وضع حمل) نکرده‌ای.^۱

قال الباقر علیه‌السلام: «إِنَّ أُمَّيَ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَمَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَالْإِبْنُ مُتَكَبِّرٌ عَلَى ذِرَاعِ الْأُمِّ قَالَ فَمَا كَلِمَةُ أَبِي عٍ مُقْتَاتِلُهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا»^۲

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: پدرم مردی را دیدند که همراه پسرش راه می‌رفتند و پسر روی شانه پدر تکیه داده بود (به حالت بی‌احترامی) پدرم به خاطر این بی‌احترامی پسر نسبت به پدرش تا آخر عمر با او صحبت نکردند.

۳-۴. پرهیز از عقوق والدین

یکی از گناهان کبیره عقوق والدین است. چنانچه حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت امیر علیه‌السلام و حضرت صادق علیه‌السلام و حضرت رضا علیه‌السلام و حضرت جواد علیه‌السلام در روایاتی که در شمار کبائر از ایشان رسیده به کبیره بودنش تصریح فرموده‌اند. حتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی آن را بزرگترین گناهان

۱- فی ظلال، ج ۵، ص ۳۱۸ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۹

۲- بحار، ج ۷۴، ص ۶۴

کبیره شمرده است.

قال رسول الله ﷺ: «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ الشِّرْكَُ وَ الْعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ»^۱

بزرگترین گناهان شرک به خدا و عقوق والدین است.

عقوق والدین دارای مراتب مختلف است که پایین ترین درجه آن گفتن اف به آنها و اظهار

انزجار است که در کلام امام صادق علیه السلام از آن به عنوان «ادنی العقوق» یاد شده است.

قال امام صادق علیه السلام: «أَدْنَى الْعُقُوقِ أْفٍ - وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى شَيْئاً أَهْوَنَ مِنْ أْفٍ لَنَهَى عَنْهُ»^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: که پایین ترین درجه عقوق والدین گفتن اف به آنها است و اگر پایین تر از آن چیزی بود خدا از آن نهی می کرد.

یکی از مراتب عقوق، نگاه های تند به پدر و مادر است و فرزند باید متوجه باشد که با

مهربانی و عطف باید به والدینش نگاه کند و از خشم و غضب حتی در نگاه به آنها خودداری کند.

قال الصادق علیه السلام: «وَمِنَ الْعُقُوقِ أَنْ يُنْظَرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ فَيَحِدَّ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا»^۳ امام صادق علیه السلام

می فرماید: یکی از مراتب عقوق والدین این است که فرزند به آنها با تندی و خشم نگاه کند.

روایات اسلامی ما احسان به والدین را دارای ارزش والا ئی دانسته و اجر فراوان برای آن قائل

است و در مقابل نافرمانی والدین و عقوق نسبت به آنها را به شدت سرزنش کرده و برای آنها که

سبب آزار والدین شده واز آنها نافرمانی می کنند جریمه سنگین قائل شده و عذاب الهی را به

آنها وعده داده است. در کلام معصومین خدمت به پدر و مادر را حتی بر جهاد تا مادامی که جنبه

و جوب عینی پیدا نکند رجحان داده اند و چنانچه رفتن برای جهاد که واجب عینی نیست

موجب ناراحتی آنها شود رفتن جائز نیست. نیکی به والدین اجر و ثوابش بالاتر از حج می باشد.

قال رسول الله ﷺ: «مَا مِنْ وُلْدٍ بَارٍ يُنْظَرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظَرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۳

۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۸

۳ - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۹



مَبْرُورَةً^۱ هر فرزند صالحی که با محبت خاصی بر چهره پدر و مادرش نگاه کند خداوند برای هر نگاهش یک حج مقبول برای وی مرحمت می فرماید.

احسان پدر و مادر باعث آسانی جان کندن می گردد. لحظات پایانی عمر که انسان مشغول جان دادن است. لحظات بسیار سخت و وحشت آوری است که هر انسانی آرزوی تخفیف درد و رنج این دقائق را از خداوند دارد. برخی از اعمال نیک انسان سبب آسانی سکرات مرگ می شود از جمله نیکی به والدین و در مقابل برخی از افعال زشت سکرات مرگ را سخت می کند از جمله عقوق والدین و روایات معصومین علیهم السلام بر این مطلب دلالت دارد.

قال الصادق عليه السلام: « مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخَفِّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ فَلْيُكُنْ لِقَرَابَتِهِ وَصُولاً وَ بِوَالِدِيهِ بَارِئاً فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ لَمْ يَصِبْهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدًا »^۲ یعنی هر کس دوست دارد که خداوند متعال سکرات و سختی‌های مرگ را بروی آسان کند صله رحم نموده و به پدر و مادرش نیکی نماید.

از ثمرات احسان به والدین آمرزش گناهان فرزند می باشد چرا که به تعبیر قرآن حسنات سیئات را از بین می برند. « إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ... »^۳ و یکی از مصادیق حسنات نیکی به پدر و مادر می باشد. در مقابل عقوق والدین باعث این می شود که خداوند گناهان فرد را نیامرزد و حتی عبادات وی مورد قبول خداوند تبارک و تعالی قرار نگیرد. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: « يَقَالُ لِلْعَاقِ اعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أَعْفِرُكَ »^۴ پیامبر صلى الله عليه وآله می فرمایند: به کسی که عاق والدین شده خدا می گوید هر کار می خواهی بکن اما من تو را نمی بخشم.

قال الصادق عليه السلام: « مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبِيهِ نَظْرَ مَاقِتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً »^۵

امام صادق عليه السلام می فرمایند: هر کس با بغض و کینه بر چهره پدر و مادرش نگاه کند، گرچه

۱ - بحار، ج ۷۴، ص ۸۰

۲ - بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۱

۳ - سوره هود، آیه ۱۱۴

۴ - میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱۶

۵ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۸۷

آنها به او ستم هم کرده باشند، خداوند هیچ نمازی را از وی نمی پذیرد. نتیجه خوبی به پدر و مادر یا عقوق آنها منحصر در عقوبت‌های آخری نیست بلکه آثار وضعیه دنیوی نیز دارد و خداوند در عقوبت والدین تعجیل می فرماید. پیامبر می فرماید: «دو چیز است که خداوند در این دنیا عقوبتش را می دهد یکی ظلم و دیگری نافرمانی والدین.»^۱

نیکی به والدین باعث می شود رزق انسان توسعه یافته و عمر او طولانی گردد که این اثر رضایت والدین و دعا‌های آنها راجع به فرزندشان می باشد.

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيَبْسُطَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ أَبَوَيْهِ فَإِنَّ صَلَاتَهُمَا طَاعَةٌ لِلَّهِ وَ يُصَلُّ ذَا رَحْمَةٍ»^۲ رسول خدا ﷺ می فرماید: کسیکه خواهان افزایش عمر و گسترش روزی است به پدر و مادرش نیکی کند زیرا نیکی و خدمتگزاری والدین عبادت خدا و پیروی از او می باشد.

از طرفی آزردن والدین و نافرمانی آنان سبب کوتاهی عمر و مبتلا شدن به فقر می گردد. قال الصادق عليه السلام: «أَيُّمَا رَجُلٍ دَعَا عَلَى وُلْدِهِ أَوْ رَيْتَهُ اللَّهُ الْفَقْرَ»^۳

یکی دیگر از آثار نیکی به پدر و مادر این است که سبب می شود فرزندان انسان نیز به او نیکی کنند. قال علی عليه السلام: «مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَرَّهُ وَوُلْدُهُ»^۴ کسی که به پدر و مادرش نیکی کند فرزندان او به او نیکی خواهند کرد.

۳-۵. رعایت تقدم مادر در احسان

« وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...»^۵

و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش با رنج و زحمت به او

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۴

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۵

۳- بحار، ج ۱۰۴، ص ۹۹

۴- غرر الحکم، ص ۷۱۷

۵- سوره احقاف، آیه ۱۵

باردار شد و با دشواری او را برز مین نهاد و بارداری و از شیرگرفتنش سی ماه طول کشید.

مادر زحمات طاقت فرسای دوران بارداری و درد زایمان را تحمل می کند. در دوران بارداری و شیرخوارگی از شیره جانش به فرزند دلبندهش می نوشاند اوست که شبها در کنار بستر کودک می نشیند و مراقبت از او می نماید. علاقه و عاطفه مادر نسبت به فرزند آنچنان زیاد است که ضرب الامثل همه جهانیان می باشد. این ها همه نتیجه عواطف و احساسات است که زودتر رنجیده خاطر می گردد لذا در روایات معصومین می یابیم که این بزرگواران تاکید فراوان بر احترام بیشتر به مادر دارند و به فرزندان دستور می دهند تا قلب پاک این موجود عزیزی که تمام وجودش را در طبق اخلاص قرار داده تا فرزندش رشد کند، نیاززند و هرچه در توان دارند در خدمت به او دریغ نوزند.

«جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُقَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ عْ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ»^۱ مردی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: یا رسول الله به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. مرد پرسید: سپس به چه کسی؟ حضرت فرمود به مادرت. مرد پرسید: سپس به چه کسی؟ حضرت باز فرمودند به مادرت. مرد دوباره پرسید: سپس به چه کسی؟ حضرت فرمودند: به پدرت.

۳-۶. احسان به والدین پس از مرگ

فرقی در حرمت عقوق و وجوب نیکی به والدین بین حال حیات و ممات آنها نیست یعنی با مرگ حق آنها ساقط نمی شود و هرگاه پس از مرگ فراموش گردند و نیکی به ایشان ترک شود، عاق والدین محسوب می شود. هرچند در حال حیات اداء حق ایشان شده و نیکی به آنها ترک نگردیده باشد. حق والدین پس از مرگ آن است که اولاد واجباتی را که از آنها در حال حیات فوت شده از قبیل حج، نماز، روزه و همچنین دیون آنها را اداء نمایند. ثانیاً: به آنچه وصیت نموده اند عمل کنند. ثالثاً: آنها را تا آخر عمر نباید فراموش کنند بلکه باید برای ایشان از خدا

طلب آمرزش و رحمت نمایند و به نیابت آنها صدقه دهند و اعمال مستحبه را به قصد ایشان انجام دهند و بالجمله آنچه می توانند از هدایا و تحف معنوی را برای آنها بفرستند.

قال الصادق علیه السلام: « مَا يَنْتَعُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينَ وَمَيْتَيْنِ يَصَلِّيَ عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيُحِجَّ عَنْهُمَا وَيُصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِبِرِّهِ وَصَلْتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا »^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از شما را چه مانع می شود که به پدر و مادرش نیکی کند، زنده باشد یا مرده که از جانب آنها نماز بخواند و صدقه دهد و حج گذارد و روزه بگیرد تا آنچه کرده ثوابش از آنها باشد و مانند آن هم برای خود او قرار داده شود تا اینکه خدای عزوجل بوسیله احسان و صله او خیر فراوانی نصیبش کند.

نتیجه گیری

خانواده سرچشمه تربیت افراد و اصلاح آنها است. تاثیرات تربیتی والدین در گفتار و کردار فرزند برای تمام عمر محفوظ است. دامن والدین و مخصوصاً آغوش مادر نخستین و مهمترین کلاس درس است و فرزند از آنجا به شدت تأثیر می پذیرد. محیط خانواده فضای مساعدی برای رشد و پرورش استعداد های فرزندان می باشد. تأثیر خانه و خانواده در فرد نامحدود است و می توان گفت که پایه های تربیتی فرد در خانه نهاده می شود. هر نوجوان و جوانی در خانه متولد می شود و عادت را از خانواده و پدر و مادر کسب می کند و آن دو هستند که به تربیت وی قیام می کنند تا به مرحله رشد برسد و خانواده گاهی از پدر و مادر به اضافه برادران و خواهران و احیاناً دیگران تشکیل می شود.

خانواده یک محیط طبیعی است که تربیت فرزند را به عهده گرفته است، چون غریزه پدری و مادری، والدین را وادار می کند که مخصوصاً در سالهای اول مراقب فرزند خود باشند. سالهای اول کودکی از نظر ایجاد تشکیلات جسمانی و عقلانی و وجدانی و اخلاقی، بسیار اهمیت دارد. کودک در این مرحله تحت تأثیر هر امری است که او را احاطه کرده است و قابلیت انعطاف او در این مرحله بیش از مراحل دیگر می باشد. به همین علت در اسلام سفارش شده که کارهای

فرماندهی و وزارت و بالاخره پست‌های کلیدی حکومت اسلامی را به کسانی بدهید که ریشه خانوادگی دارند و مدارج کمال را پیموده اند و این نشان دهنده این است که فرزندان شریف و بافضیلت را باید در خانواده‌های اصیل و خوب سراغ گرفت.

خانواده اساس صحت اخلاقی فرزند را بنیان گذاری می‌کند. زیرا او ارزشهای اخلاقی، علاقه به راستی و درستی و تنفر از دروغ و نادرستی و میل به تعاون و همکاری و علاقه به هم‌نوع و بالاخره دوست داشتن فضائل و مبارزات با رذائل و امثال آنها را از محیط خانه و خانواده فرا می‌گیرد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۸۵ق)، النهایة فی غریب الحدیث، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابی اثیر، (بی تا). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. استراوس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۴)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه ها و شیوه ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. آصفی، آصفه، (بی تا). خانواده و تربیت در ایران. بی جا: انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول.
۷. آمدی، عبدالواحد، (بی تا). غرر الحکم و درالکلم. ترجمه محمد علی انصاری. بی جا.
۸. جانی پور، محمد (۱۳۹۱)، قدرت نرم و دفاع مقدس، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۵۸ ه. ش). اسلام و تعلیم و تربیت. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ ه. ق). وسائل الشیعه. تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۱. حرانی، ابن شعبه (۱۳۹۴ ه. ق). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم.
۱۲. خمینی، روح الله الموسوی (۱۴۰۳ ه. ق). تحریر الوسیله. بیروت: دار الانوار.
۱۳. رحیمی موقر، علی، (بی تا). جامعه شناسی خانوادگی. بی جا: چاپخانه شفق.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۳۵۱ ه. ش). فروغ ابدیت. تهران: دارالتبلیغ اسلامی.
۱۵. شبر، سید عبدالله، (بی تا). جلاء العیون. بی جا: انتشارات بصیرتی.

۱۶. الشهيد الثاني، (۱۴۰۳.ق). الروضة البهيه فى شرح اللمعه الدمشقيه. قم: دارالهدى للمطبوعات.
۱۷. صدوق، ابن بابويه (بى تا). من لا يحضره الفقيه. تهران: دارالکتب الاسلاميه، چاپ سوم.
۱۸. صفايى حائرى، على (۱۳۸۶)، نظام اخلاقى اسلام، قم: انتشارات ليلة القدر.
۱۹. طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۳۷۴)، الميزان فى تفسير القرآن، ترجمه موسوى همدانى سيد محمدباقر، قم: انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲۰. طباطبايى، سيد محمد حسين، (بى تا). الميزان فى تفسير القرآن. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲۱. طبرسى، محمد بن حسن (۱۴۰۳.ق). مجمع البيان فى تفسير القرآن. قم: منشورات مكتبه آيت الله مرعشى نجفى.
۲۲. طبرسى، الحسن بن الفضل (۱۳۹۲.ق). مكارم الاخلاق. بيروت: موسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ ششم.
۲۳. الطوسى، محمد بن الحسن (۱۳۶۵.ش). تهذيب الاحكام. تهران: دارالکتب الاسلاميه، چاپ چهارم.
۲۴. عزتى، مرتضى (۱۳۷۶)، روش تحقيق در علوم اجتماعى، تهران: موسسه تحقيقات اقتصادى دانشگاه تربيت مدرس.
۲۵. عطارن، محمد (۱۳۶۸.ش). آراء مربيان بزرگ مسلمان درباره تربيت کودک. بى جا: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ دوم.
۲۶. علاء الدين، على المتقى (۱۳۹۹.ق). كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال. بيروت: موسسه الرساله.
۲۷. فراهيدى، خليل بن احمد (۱۴۱۰ق)، كتاب العين، قم: انتشارات هجرت.
۲۸. فلسفى، محمد تقى (۱۳۶۳.ش). كودك از نظر وراثت و تربيت. تهران: هيئت نشر معارف اسلامى، چاپ سيزدهم.

۲۹. فیروزان، توفیق (۱۳۶۰)، روش تحلیل محتوا، تهران: انتشارات آگاه.
۳۰. قائمی، علی (۱۳۶۸ ه.ش). روانشناسی و تربیت کودکان شاهد. بی جا: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
۳۱. قائمی، علی، (بی تا). نظام حیات خانواده در اسلام. بی جا: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم.
۳۲. قمی، شیخ عباس (۱۳۶۳ ه.ش). منتهی الامال. بی جا: مطبوعاتی حسشین، چاپ سوم.
۳۳. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ ق). سفینه البحار. بی جا: انتشارات کتابخانه سنائی.
۳۴. کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷ ق)، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۵۰ ه.ش). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۸. مجلسی، محمد تقی (۱۳۹۸ ه.ش). روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.
۳۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷ ه.ش). میزان الحکمه. تهران: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم.
۴۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. بی جا: انتشارات صدرا.
۴۱. مظلومی، رجبعلی (۱۳۵۸ ه.ش). گامی در مسیر تربیت اسلامی. بی جا: نشر آفاق، چاپ اول.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم.

۴۳. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ ه. ق). مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.

44. Frankena, W,(2000), Toward philosophy of Education, in what is philosophy of Education, U.S.A: Macmillan

45. Hornby, A.S,(2000), Oxford Advanced Learreners Dictionary of Current English, edited by sally wehimeier ,jahane danesh,Tehran.



